

## پیچ‌های مجازی

شبکه‌های اجتماعی، به‌خصوص تلگرام، در ایران ضریب نفوذ بالایی دارند و به‌قول یکی از جامعه‌شناسان ایرانی، هر یک از ما حداقل عضو ۲۰ شبکه هستیم. من هم از این قاعده مستثنی نیستم و به دلایلی، جزء شبکه‌های مختلفم. وقتی به علت این امر نگاه می‌کنم، می‌بینم به دلایل مختلف عضو این شبکه‌ها هستم. چند شبکه، خانوادگی هستند. برخی شبکه‌ها از دوستانم تشکیل می‌شوند و بعضی هم تخصصی‌اند. البته عضو چند کانال تلگرام هم هستم که برای من جنبه اطلاع‌رسانی دارند. هر یک از ما به فراخور علائق‌مان عضو شبکه‌های مختلف هستیم. وقتی به ماهیت این شبکه‌ها نگاه می‌کنم، می‌بینم که دو شبکه برای من از چند نظر جالب‌اند. این دو شبکه را با هم مقایسه کرده‌ام و نتیجه برای خودم جالب بوده است. در یکی از این دو شبکه شما انواع پیام‌ها را می‌بینید؛ لطیفه، نصایح دوستانه و پندهای اخلاقی، خبرهای سیاسی، اجتماعی و عناوین متعدد دیگر. در این شبکه هیچ بحثی صورت نمی‌گیرد؛ چون در چند مورد که بحث شده، سریع به بگووگو کشیده و جمع شده است. اغلب مطالب فوراً رد شده از کانال‌های دیگر است و به‌ندرت اتفاق می‌افتد که اعضا خود محتوایی را تولید کرده باشند. این شبکه به تمام معنا شبکه‌ای مصرف‌کننده است. حجم مسائل اخلاقی در آن بی‌شمار و حجم انتقاد از جامعه ایرانی چشمگیر است. مقایسه جامعه ایرانی با گذشته آن یا کشورهای مشابه هم که اغلب با تحقیر خود همراه است، کم‌شمار نیست. هیچ‌کس مطالبی از خود ندارد و مطالب عاریه‌ای هستند.

در دومین شبکه، پیام‌هایی که مبادله می‌شود صرفاً به حوزه تعلیم و تربیت مربوط است و کسی مطالبی جز این نمی‌فرستد یا شمار این‌گونه مطالب بسیار اندک است. به هیچ‌وجه بحث سیاسی صورت نمی‌گیرد؛ چون به تدریج همه متوجه شده‌اند که این بحث‌ها رami‌توانند در شبکه‌های دیگر پیگیری کنند. شبکه پر از بحث و گفت‌وگوست و اگر مطالبی مورد توجه قرار گیرد، گاه تا چند روز درباره آن بحث و گفت‌وگو می‌شود. شمار مطالبی که از شبکه‌های دیگر فوراً رد می‌شود، بسیار اندک و ناچیز است و

محتوای آن‌ها هم اغلب سخنرانی‌ها یا مطالب نقل شده از نشریات مختلف دربارهٔ بحث‌های تعلیم و تربیت است. هیچ پیامی که حاوی ارزش‌گذاری یا قضاوت اخلاقی دربارهٔ جامعهٔ ایرانی باشد، دیده نمی‌شود. همهٔ پیام‌ها دارای هدف خاص‌اند و اغلب اگر مورد توجه قرار بگیرند، دربارهٔ آن‌ها بحث می‌شود. اگر مطلبی گفته شود که مرتبط با بحث نباشد، از گردونه خارج می‌شود.

تفاوت‌های این دو شبکه را می‌توانم در جدول زیر خلاصه کنم.

شبکه الف	شبکه ب
اختصاصی بودن هدف گروه	عام بودن هدف گروه
تولید پیام توسط اعضا	مصرف پیام توسط اعضا
بازبینی پیام‌ها و بحث و گفت‌وگو دربارهٔ آن‌ها	بحث نکردن دربارهٔ پیام‌ها و انتشار آن
به اشتراک گذاشتن پیام‌ها	کثرت و تفاوت محتوای پیام‌ها
پرهیز از قضاوت اخلاقی دربارهٔ پیام‌ها	ارزش‌گذاری و قضاوت اخلاقی دربارهٔ پیام‌ها
مشارکت اعضا در تولید پیام‌ها	تماشاگر بودن اغلب اعضا و فعال بودن دو یا سه نفر

اگر بخواهم وجه تمایز دو شبکه را به‌طور مشخص بگویم، می‌توانم در یک کلام بگویم که تعداد اعضای گروه اول که سوادسازان‌های دارند، بسیار زیاد است و در گروه دوم، اغلب با افراد فاقد سوادسازان‌های روبه‌رو هستیم. در گروه اول، افراد به صرف شنیدن یک پیام آن را منتشر نمی‌کنند و به بحث و نقد و اظهار نظر می‌پردازند؛ در حالی که در گروه دوم، فقدان سواد رسانه‌ای موجب شده است که بعضی اعضا هر چه را می‌خوانند، بدون بررسی در گروه منتشر کنند. چندبار هم که وارد بحث شده‌ایم، پاسخ این بوده است که «این را در جایی خوانده‌ام». به نظر می‌رسد که گروه دوم گرچه همه تحصیل کرده و باسوادند، از سواد رسانه‌ای بهره‌ای ندارند. سواد که به آن‌ها امکان می‌دهد مطالب مناسب و مورد نیاز خود را به سادگی در اینترنت پیدا کنند و آنان را چنان در تحلیل و ارزیابی توانا می‌سازد که درستی و نادرستی اطلاعات را تشخیص دهند و کارشان صرفاً کلیک کردن و ارسال اطلاعات برای دیگران نباشد. به نظر من و با توجه به بررسی اندکی که انجام داده‌ام، تعداد اشخاص فاقد سواد رسانه‌ای ما بسیار زیاد است. باید به سمت آموزش سوادسازان‌های برویم و برخی عیوب نگذاریم فرهنگ شفاهی گذشته بار دیگر به شکل پیچ‌های مجازی و انتشار «هر خبری» درآید.